



ملاک حجیت خبر واحد

مهدی سبزواریان*، مینا السادات حسینی خانقاهی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۰

چکیده

دو دیدگاه متفاوت در مورد حجیت خبر واحد وجود دارد یکی اینکه خبر واحد مفید علم حجت است وگرنه حجت نیست و دیگری اینکه خبر واحد، ظن معتبر و حجت است. بحث از حجیت خبر واحد هم در به دست آوردن احکام حاکی از احکام شرعی و هم در حجیت خبر واحد از موضوعات کارایی دارد. بحث از حجیت خبر واحد به غیر از احکام شرعی، در علوم مختلف اسلامی مانند تفسیر و رجال هم همواره مورد بحث و گفتگو بوده است. در این مقاله با بررسی اقوال مختلف در مورد حجیت خبر واحد، ملاک ارزیابی عمل به خبر واحد و حجیتش در علوم مختلف راباتوجه به علم اور بودن یا ظن معتبر مورد بررسی قرار می دهیم

کلیدواژگان: حجت، خبر، واحد، علم، ظن، معتبر، ملاک.

* دانش‌پژوه سطح ۴ حوزه علمیه قم.

** دانش‌پژوه دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه قم.

مقدمه

بی تردید بخش مهمی از معارف اسلامی به صورت خبر واحد در اختیار ما قرار گرفته است. معارف اسلامی در طول تاریخ اسلام تا امروزه صورت علوم مختلفی رشد و نمو پیدا کرده است. دانش فقه، اصول فقه، تفسیر، رجال، تاریخ اسلام، کلام، درایه الحدیث نمونه‌هایی از این علوم هستند. در برخی از این دانشها نقل، اهمیت شایانی دارد مثل دانش فقه، تفسیر، رجال و حدیث که برنقلهای عمدتا واحد استوار است که ما به آنها خبر واحد می‌گوییم. نقل، بستگی زیادی با خبر واحد دارد. زیرا بسیاری از گزارشات روایی ما به صورت خبر واحد منتقل گردیده است. آیا هر خبر واحدی حجت است؟ و میزان حجیت خبر واحد در علوم مختلف اسلامی یکسان است؟ در این مقال اصل حجیت خبر واحد را بررسی می‌کنیم و به این مسیر می‌رویم که خبر واحد در صورت معتبر بودن آیا باید مفید علم باشد یا از جمله ظنون معتبر است؟ یعنی چنانکه خبر متواتر مفید علم است خبر واحد هم چنین خصوصیتی داشته باشد، یا اینکه با چشم پوشی از مفید علم بودن خبر واحد باید دایره حجیت آن را ذیل ظنون معتبر مورد ارزیابی قرار دهیم بی تردید بخش مهمی از معارف اسلامی به صورت خبر واحد در اختیار ما قرار گرفته است. معارف اسلامی در طول تاریخ اسلام تا امروزه صورت علوم مختلفی رشد و نمو پیدا کرده است. دانش فقه، اصول فقه، تفسیر، رجال، تاریخ اسلام، کلام، درایه الحدیث نمونه‌هایی از این علوم هستند. در برخی از این دانشها نقل، اهمیت شایانی دارد مثل دانش فقه، تفسیر، رجال و حدیث که برنقلهای عمدتا واحد استوار است که ما به آنها خبر واحد می‌گوییم. نقل، بستگی زیادی با خبر واحد دارد زیرا بسیاری از گزارشات روایی ما به صورت خبر واحد منتقل گردیده است. آیا هر خبر واحدی حجت است؟ و میزان حجیت خبر واحد در علوم مختلف اسلامی یکسان است؟ در این مقال اصل حجیت خبر واحد را بررسی می‌کنیم و به این مسیر می‌رویم که خبر واحد در صورت معتبر بودن آیا باید مفید علم باشد یا از جمله ظنون معتبر است؟ یعنی چنانکه خبر متواتر مفید علم است خبر واحد هم چنین خصوصیتی داشته باشد، یا اینکه با چشم پوشی از مفید علم بودن خبر واحد باید دایره حجیت آن را ذیل ظنون معتبر مورد ارزیابی قرار دهیم. دانشمندان مختلف در عرصه





علوم اسلامی با پارادایم‌های متفاوت از همدیگر خبر واحد را حجت دانسته و یا آن را غیر حجت میدانند عده ای محدوده حجیت آن را بسیار مضیق نموده اند به گونه ای که تعداد زیادی از روایات که عمدتاً به صورت خبر واحد رسیده‌اند حجت نخواهند بود و عده ای هم ملاک حجیت را بسیار آسان گرفته اند و دایره حجیت را نیز موسع فرض کرده‌اند و آن را در علوم مانند تفسیر و رجال نیز معتبر دانسته و به آن عمل نمودند. افرادی مانند ابن قبه و سید مرتضی و مفید در دسته اولند و افرادی چون خوئی و معرفت در دسته دوم قرار دارند (مجبی، ارزیابی تطبیقی آرای دانشمندان در حجیت خبر واحد با تاکید بر دیدگاه ایت الله فاضل لنکرانی، ۱۳۹۸: ص ۱۰۰).

تبیین مفهومی خبر

خبر عبارت است از کلمه‌های که حکایت از یک واقعه خارجی میکند اعم از آنکه مطابق با واقع باشد یا نباشد به عبارت دیگر خبر در ذات خود محتمل صدق محتمل صدق و کذب است (معارف، تاریخ عمومی حدیث، ۱۳۸۷: ص ۳۳)

علمای اصول در مورد حقیقت خبر اختلاف دارند شیخ طوسی مینویسد: (ماصح فیه الصدق او الکذب) و این تعریف را بهتر از تعریف به ما صح فیه الصدق و الکذب دانسته است. زیرا محال است که صدق و کذب با هم در یک خبر باشد. از طرفی این تعریف با اخباری نقض می‌شود که قابل تصدیق و تکذیب نیستند مانند اخبار مربوط به وجود شریک برای خداوند متعال که قابل تصدیق نیستند و اخبار مربوط به توحید و صفات خداوند مانند علم خدا که قابل تکذیب نیستند (بخردیان و قبولی در افشان، بررسی خبر واحد در فقه ابن ادریس، ۱۳۹۴: ص ۳۴).

در اصطلاح محدثان تعریف واحدی از آن وجود ندارد زیرا در ترادف و عدم ترادف آن با حدیث اختلاف نظر وجود دارد:

- ۱- نظر غالب بر آن است که خبر مرادف حدیث می‌باشد مانند نظر افرادی چون شهید ثانی، علامه مامقانی و صبحی صالح که به نظر میرسد وجه صحیح همین است.
- ۲- خبر عامتر از حدیث است زیرا حدیث مخصوص به معصوم ولی خبر اعم از معصوم و غیر معصوم است (مودب، علم الدرایه تطبیقی، ۱۳۹۱: ص ۳۴). به همین خاطر از

دیدگاه گروه دوم خبر و حدیث رابطه شان نسبت عموم و خصوص مطلق می شود به گونه ای که هر حدیثی خبر است اما هر خبری حدیث نیست.

۳- میان خبر و حدیث تباین وجود دارد در این حالت حدیث اختصاص به سخنان وارده از سوی پیامبر و امام دارد ولی خبر به سخنان رسیده از سوی غیر معصوم اختصاص پیدا میکند. به نظر میرسد این رای مورد اتفاق اکثر دانشمندان نیست خصوصاً که در قرون اخیر به کسانی که نسبت به اخبار و روایات معصومین تقید نشان میدهند، اخباری گفته می شود علاوه بر آنکه خبر در اصول فقه و خصوصاً در اصطلاحاتی نظیر خبر واحد و خبر متواتر مترادف با همان حدیث به کار رفته است (معارف، تاریخ عمومی حدیث، ۱۳۸۷، ص ۳۳) در این نوشتار خبر مرادف با حدیث به کار رفته است و عبارت است از نقلی حاکی از گفتار رفتار و تقریر معصوم.

اقسام خبر از جهت تعداد راویان

خبر از نظر تعداد راویان به دو دسته تقسیم می شود: الف- خبر متواتر، ب- خبر واحد.

خبر متواتر

متواتر از ریشه وتر به معنای واحد و تواتر یعنی یکی پس از دیگری آمده است و در اصطلاح حدیث متواتر خبر جماعتی است که سلسله روایات آن تا به معصوم در هر طبقه به حدیث که امکان توافق آنها بر دروغگویی به طور عادی محال باشد و خبر آنها موجب علم گردد (مودب، علم الدرایه تطبیقی، ۱۳۹۱: ص ۴۸).

علم آور بودن خبر متواتر محل تفرق آن از قسم دیگر خبر است نکته قابل ملاحظه اینکه علم آور بودن خبر متواتر حتماً باید از کثرت مخبرین نشئت گرفته باشد یعنی هر خبر علم آوری را نمی توان متواتر نامید ولی هر خبری که از مخبرین کثیر در هر طبقه برخوردار باشد خبر متواتر خواهد بود.

اقسام متواتر

۱- متواتر لفظی: خبری است که همه ناقلان مضمون آن را یکسان و با الفاظ واحدی

ذکر میکنند





۲- متواتر معنوی: خبری که همه ناقلان مضمون واحدی را با عبارات مختلف نقل میکنند و تطابق در معنا یا به دلالت تضمینی یا دلالت التزامی است (مودب، علم الدرایه تطبیقی، ۱۳۹۱: ص ۵۰).

به نظر میرسد در حجیت متواتر معنوی نیز مانند تواتر لفظی تفاوتی نباشد و از هر دو علم حاصل گردد، زیرا ملاک علم آور بودن، حالت نفسانی است که برای انسان حاصل میگردد؛ یعنی فرد به خاطر کثرت راویان از واقعه ولو اینکه به لفظ واحدی از آن خبر ندهند علم به این پیدا میکند که آن حادثه اتفاق افتاده است.

خبر واحد

خبری است که تعداد ناقلان در حدی نیست که به تنهایی مفید علم باشد لذا اگر خبری در چند طبقه به حد تواتر رسیده اما در طبقات دیگر یا حتی در یک طبقه به حد تواتر نرسیده باشد متواتر شمرده نمی‌شود چون نتیجه تابع اخس مقدمتین است.

اقسام خبر واحد

الف- مستفیض: خبری که به مرز تواتر نرسیده ولی در هر طبقه بیش از سه نفر باشد (همان: ص ۵۲).

ب- خبر عزیز: خبری است که در هر طبقه حداقل دو نفر باشند و از آن جهت عزیز نامیده شده است که نمونه آن کم می‌باشد

خبر غریب: حدیثی است که راویان در تمامی طبقات نفر از یک نفر و یا در طبقه اول یک نفر می‌باشد (همان: ص ۵۴).

با این توضیح معلوم می‌شود خبر واحد ذاتاً علم آور نیست. یعنی با برخورد فردی که با آن مواجه شده از گفته مخبر علم به این پیدا نمیکند که این واقعه اتفاق افتاده است. و این مسئله هم در احکام و هم در موضوعات جاری می‌باشد. ولی میان علما اختلاف است که در معارف اسلامی خبر واحد تا کجا حجیت دارد. خبرهای واحد گاهی مقرون به قرائنی هستند که سبب علم به صدور میگردند و صدور آن خبر احراز میگردد و گاهی خبرهای واحد، خالی از قرینه هستند که در آن صورت فقط دلالت بر ظن به صدور می

کنند (جلایی، بررسی حجیت خبر واحد در مسائل غیر فقهی با توجه به معنای حجیت و تطبیق آن بر نظر آیت الله خوئی و علامه طباطبایی، ۱۳۹۸: ص ۴۸).

خبر واحد عهده دار احراز صدور نقل و گزارش از معصوم است و بررسی حجیت خبر واحد حجیت خبر واحدی است که دارای قرینه نیست و از این جنبه که آیا این خبر صدور نقل و گزارش از معصوم را به ما نشان میدهد یا نه و احراز صدور خبر نیز موضوع حجیت ظهور است زیرا بدون اینکه احراز شود آن خبر صادر شده یا نه موضوعی برای حجیت ظهور آن خبر و دلالت باقی نمیماند (همان: ص ۴۹).

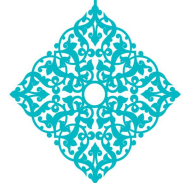
اصل اولیه در اعتماد به ظن به سبب وجود به وجود ادله اربعه حرمت است. از دیدگاه دانشمندان اسلامی جایز نیست حکمی به خداوند نسبت داده شود تا مادامی که به دلیل لفظی ثابت نشده باشد و در این باره به آیاتی استناد کرده‌اند که عمل به ظن را منع کرده است همچنین روایات فراوانی عمل به غیر علم را نهی نموده‌اند (خوئی، معجم رجال الحدیث و تفصیل و طبقات الرواه، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۲۰).

نقل و اجماع نیز راهی به سوی اثبات احکام شرعی ندارد زیرا عقل احاطه‌ای به جهات واقعیه داعیه برای جعل حکم از جانب شارع ندارد و اجماع کاشف از قول معصوم نیز نادرالوجود است پس آنچه میماند روایات ماثوره از اهل بیت اهل بیت عصمت و طهارت است و برای بر استدلال به این روایت برای حکم شرعی اولاً اثبات حجیت آنان است که اگر قائل به حجیت نباشیم سر از انسداد باب علم در می‌آوریم و مرحله بعدی اثبات حجیت ظواهر است (همان: ص ۲۰).

پس حجیت صدور مقدم بر حجیت ظواهر از جهت دلالت است که هم در ظرف انفتاح و هم در ظرف انسداد قابل طرح استخبر واحد و خروج از حرمت عمل به ظن. برای فهم این مطلب ناگزیر هستیم اصطلاحاتی را توضیح دهیم.

انفتاح باب علم

انفتاح باب علم به احکام شرعی در مقابل انفتاح باب علمی و به معنای باز بودن راههای قطعی دستیابی به احکام شرعی واقعی می‌باشد (جمعی از محققان، فرهنگنامه اصول فقه، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۶۸)



افتتاح باب علمی

به معنای باز بودن راههای ظنی معتبر. راههای ظنی خاص که دلیل قطعی برحجیت آنها اقامه شده است، به روی مکلفان برای دستیابی به احکام شرعی در عصر غیبت می‌باشد (همان: ص ۲۶۸). پس در اولی با باز بودن باب علم یعنی امام، مستقیماً به حکم دسترسی داریم، ولی در افتتاح علمی، باب علم بسته است ولی طرق تعبدی باز است

افتتاح حکمی

به معنای باز بودن باب علمی یا راههای ظنی معتبر برای دستیابی به احکام شرعی می‌باشد. در حقیقت افتتاح حکمی همان افتتاح علمی می‌باشد (همان: ص ۲۶۸).

انسداد

برای فهم انسداد باید ابتدا مقدماتی را تصور کنیم: ۱- انسداد باب علم وظن خاص در معظم مسائل فقهیه. ۲- عدم جواز اهمال در احکام مشتبه و ترک امتثال (در این حالت مکلف مانند فردی نیست که عاجز از امتثال حکم تفصیلی است). ۳- در فرضی که مکلف باید امر شارع را امتثال کند به طرق معتبره شرعیه مقرر برای جاهل اکتفا کند. ۴- وقتی به طرق شرعیه نتوان تمسک کرد باید به امتثال ظنیه و موافقت ظنیه مراجعه نمود چون نمی‌توان به امتثال وهمیه دست یافت (انصاری، فرائد الاصول، ۱۴۲۸ق: ج ۱، ص ۳۶۸). طرق معتبره شرعیه در این باره عبارتند از: ۱. احتیاط ۲. قرعه ۳. فتوای یک عالم افتتاحی. در مقدمه سوم فرض این است که نمی‌توان احتیاط تام در جمیع شبهات عمل کرد، چون یا موجب اختلال نظام، و یا عسر و حرج می‌شود (خویی، مصباح الاصول، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ص ۲۵۵).

در مقدمه سوم قائلین به عدم رجوع به احتیاط می‌گویند گر چه احتیاط بنفسه حسن است، منتها باعث امتثال اجمالی منافی با قصد وجه است. به همین خاطر نتیجه مقدمه سوم با فرض اینکه تکلیف فعلیت داشته و باب علم و علمی نیز بسته است و امتثال اجمالی هم کافی نیست، خود به خود به انسداد کشفی میانجامد. زیرا ما به این نتیجه می‌رسیم که شارع ظن را برای ما حجت قرار داده است و طریق به احکام می‌باشد (همان: ص ۲۵۸)



باید توجه داشت که عمل به اصلی مانند احتیاط در جایی که شک جاری باشد جریان دارد، ولی در ظرف انسداد که علم اجمالی وجود دارد، مجرای اصل نیست و اصولی هم که تکالیف را اثبات میکنند زیاد نیستند. بنابراین باید مدام به اصل برائت مراجعه کرد. و نتیجه اینکه به جای آنکه تکالیف معلوم بالاجمال ثابت شود از بین خواهد رفت (ویکی دانشنامه حوزوی مقدمات انسداد، تاریخ مراجعه ۱۴۰۲ / ۲/۹).

علم آوری یا ظن معتبر بودن خبر واحد

خبر متواتر ذاتاً مفید علم است ولی خبر واحد ذاتاً مفید علم نیست. بنابر مبنای انسدادیها چون باب علم و علمی بسته است، پس معظم احکام نیز به روی ما بسته است در این بستر است که حجیت مطلق ظن مطرح می‌شود. اگر قائل به انسداد باشیم و مطلق ظنون را معتبر بدانیم خبر واحد هم نه از باب علم فهم عدم قطعیت و انسداد باب علم باعث شد اصولیگری در مقابل اخباریگری موجه شود و راهی جز تمایل به زن باقی نگذاشت بدین ترتیب صاحب معالم و میرزای قمی اعتبار زن در دیدگاه نخستین را مطرح کردند (محقق داماد و ولایی، نظریه انسداد در اندیشه معرفتی شیعه، ۱۴۰۱: ص ۱۲).

معنای حجیت خبر واحد

حجت در علم اصول در جایی به کار میرود که در مقام ثبوت بین اماره و متعلق اماره ارتباط واقعی وجود نداشته باشد، بلکه بین آنها صرفاً مربوط به مقام اثبات باشد (موزنی بیستگانی، کیخا مقایسه روش استنباط اصولی و فقهی شیخ انصاری در حجیت شهرت، ۱۳۹۹: ص ۱۹۹)

در سیر تطوری حجیت خبر واحد می‌گوییم علمای سده های نخستین روایات کتب و مصنفات را علم آور میدانستند هرچند که برخی آنها را در زمره اخبار آحاد قرار داده برخی دیگر آنها را متواتر و یا محفوف به قرائن میدانستند اما همگی در یک. با هم اشتراک داشتند و آن اینکه روایات علم آور موجب سکون نفس هستند (مصطفوی فرد و طباطبایی پور، تحلیل سیر تطورات مکاتب حدیثی امامیه، ۱۴۰۰: ص ۱۲).

اگر روایتی علم آور نبود باید کنار گذاشته میشد. اما اینکه کدام خبر علم آور است باید به ضابطه مراجعه نمود و اینکه چرا برخی مانند ابن قبه و سید مرتضی و مفید بر





روی علم آور بودن خبر تاکید کنند و غیر آن را نپذیرند و دیگر اینکه چرا دایره آن را محدود به احکام فقهی نمودند

اقسام خبر واحد از جهت علم آوری

خبر واحد از نظر علم آوری یا عدم علم آوری به دو قسم تقسیم می‌شود:

الف- خبر واحد محفوف به قرائن؛ یعنی روایتی که به رغم فقدان شرایط تواتر از نظر سند از نظر متن و محتوا با قرائن علم آور همراه باشد (نصیری و دیگران، گستره حجیت خبر واحد در آموزه‌های اعتقادی، ۱۳۹۵: ص ۱۱).
قرائن نیز دو دسته هستند:

۱. قرائن علم آور یعنی قرائنی که علم و یقین را به دنبال می‌آورند مانند موافقت با نص قرآن و هماهنگی خبر با روایات متواتر

۲. قرائن اطمینان آور یعنی قرائنی که اطمینان و اعتماد لازم را برای پذیرش در اختیار انسان قرار میدهند هرچند در حدی نباشند که علم و یقین را در پی آورند. (همان: ص ۷)

ب- خبر واحد عاری از قرائن

این دسته اخبار چون شرایط گذشته را ندارند علم آور نیستند. سخن در این قسمت است که اینها آیا چون فاقد علم‌آوری هستند از باب ظن معتبرند یا نه. دیدگاه عموم صاحب نظران این است که این دسته دارای حجیت و اعتبار می‌باشند

مبنای افتراق اخباری‌ها و اصولی‌ها

اخباری‌ها و اصولی‌ها در اصول عقاید و همینطور در فروع با هم مشترک هستند ولی در منهج علمی و روش و طریقه وصول به حکم شرعی با هم اختلاف دارند (ویکی فقه دانشنامه حوزوی اینترنت، تاریخ مراجعه ۱۴۰۲/۲/۹).

به همین خاطر باید گفت هم اخباری‌ها و هم اصولی‌ها هر دو خبر را قبول دارند ولی اخباری‌ها مصادر روایی چهارگانه را به طور مطلق معتبر میدانند و هرگونه اجتهاد و جرح و تعدیل جمع را کنار می‌گذارند، ولی به نظر اصولی‌ها چنین نیست و قائل به اجتهاد هستند. از زمانی که محمد امین استرآبادی آرای خود را ارائه نمود ادعایش این بود که شیوه‌اش

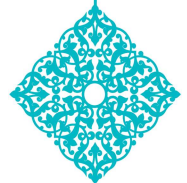
احیای سیره اخباریان متقدم امامی است و انتقادات شدیدی را علیه فقاہت مکتب حله مطرح کرد.

ریشه‌های تاریخی نزاع در حجیت خبر واحد

شیخ مفید و مرتضی مکتبی در شیعه را پایه‌گذاری کردند که اخبار آحاد را فاقد حجیت دانست و بر پذیرش اخبار متواتر و محفوف به قرائن تاکید داشت و عالمان بعد از این دو نیز تا زمان پیدایش مکتب بر این رویه اصرار ورزید. از جمله افراد شاخص که مخالف خبر واحد است و با سید مرتضی و مفید هم‌رای می‌باشد، ابن ادریس حلی است. او نیز معتقد است که برای رسیدن به احکام شرعی باید علم حاصل شود و دلیلی که موجب ظن به احکام است، نتوان به آن تمسک نمود. چرا که عمل کردن به خبر واحد موجب علم به احکام نیست (بخردیان و قبولی درافشان، بررسی خبر واحد در فقه ابن ادریس، ۱۳۹۴: ص ۳۵).

با پیدایش مکتب حله و افرادی مثل ابن طاووس و علامه حلی الگوی فکری جدیدی را ارائه و مبنای ارزیابی حدیث را معیارهای سندی قرار دادند. ابزار علامه حلی برای اینکه دایره روایات را تنگ و محدود نکند، این بود که برخی از اخبار طبق تقسیم بندی چهارگانه به حدیث صحیح و موثق و ضعیف تقسیم می‌شود، اما شهرت عملی، ضعف سندی حدیث ضعیف را جبران می‌کند. این چیزی است که از آن با عنوان نظریه انجبار یاد می‌شود (مصطفوی فرد، ریشه‌های پیدایش مکتب اخباری‌گری، ۱۴۰۱: ص ۱۷۹).

با این وصف تبیین می‌شود که از نظر علامه حلی کنار گذاشته شده و به روایت عمل شود در حالی که در نگاه قدما به قرائن آنچه موجب اصول علم و یا اطمینان می‌شود به طور غالب این موارد می‌باشد الف_ وجود حدیث در چندین اصل از اصول اربعمائه ب_ وجود حدیث در چند اصل به طرق متعدد ج_ وجود حدیث در اصل اصحاب اجماع د_ وجود حدیث در کتاب مورد اعتماد معصومین شیعه مانند کتاب فضل بن شاذان ه_ موافقت حدیث با ادله عقلی و_ مطابقت با قرآن ز_ موافقت با سنت قطعی (مودب، علم الدرایه تطبیقی، ۱۳۹۱: ص ۶۲).



حجیت شهرت

شهرت به سه قسم تقسیم می‌شود: ۱. شهرت روایی ۲. شهرت عملی ۳. شهرت فتوایی. شهرت روایی عبارت است از اشتهار روایت بین روات و محدثین و اهتمام به ضبط آن و اعتناء به آن. شهرت عملی عبارت است از عمل فقهای متقدم از عصر غیبت صغرا و اوایل غیبت کبری به روایتی و مستند قرار دادن آن و به آن استدلال نمود. شهرت فتوایی شهرت مستند به فتواست و به حدیث تکیه ندارد (سبزواری، تهذیب الاصول، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۹۰).

عبدالاعلی سبزواری در تهذیب الاصول می‌گوید «المعروف بین الامامیه ان مثل هذه الشهرة جابره لضعف السند كما ان ترك عملهم لخبر صحيح موهن له وقد استقرت سيرتهم على العمل بما عمل به». وی با استناد به کلامی از صاحب جواهر نکته مهمی را بیان میکند وی می‌گوید «قال صاحب الجواهر لو اراد الانسان ان يلفق فقها من غير نظر الى كلام الاصحاب بل من محض الاخبار يظهر له فقه خارج عن رقبه جميع المسلمين بل سائر المتدينين» (همان: ص ۹۰).

از این کلام صاحب جواهر اینگونه برداشت می‌شود که توجه به روایات بدون نگاه کردن به عمل اصحاب، فقه را از فقه بودن دور میکند. می‌توان این کلام را در مقابل نظر اخباریها دانست که روایات را به اجمعهم می‌پذیرند. به نظر میرسد که اخباریهای پس از استرآبادی مانند میرزا حسین نوری و محقق بحرانی نظری مقابل نظر صاحب جواهر دارند میرزا حسین نوری در مقدمه مسدرک و محقق بحرانی در مقدمه حدائق نظر مقابل را ارائه نموده اند مثلاً بحرانی تنها راه رفع تعارض راتقیه می‌داند (آقایی بجستانی و دیگران، بازپژوهی حجیت خبر واحد با استناد به سیره عقلا، ۱۳۹۶: ص ۳۸).

تا اینجا سه مبنای کلی برای ما تبیین شد: ۱. حجیت خبر محفوف به قرائن قدما. ۲. مبنای انجباری متاخرین (این دو نظریه از حدود علم آور بودن خبر واحد عبور نمی‌کنند و نگاه ظنی ندارند). ۳. مبنای اخباری‌ها.

با ظهور مکتب اجتهاد فرایند استنباط احکام از منابع، تغییر جدی دارد. اگرچه اخباریها انسدادی بودند ولی انسدادشان تاثیری بر حالات روانی مجتهد نداشت ولی در مکتب



اجتهادی که با وحید بهبهانی به. اوج خود میرسد حالات روانی مکلف اهمیت فراوانی پیدا میکند. توجه به حجیت ظواهر و ظهور الفاظ قرآنی توجه به جرح و تعدیل توثیقات حجیت ظنی اخبار آحاد، همه در این فضای ظنی مورد توجه قرار میگیرد. همچنین در آثار دانشمندان این دوره بخشی به اجتهاد و تقلید اختصاص مییابد. میرزای قمی از جمله علمای انسدادیست که معتقد است شناخت کلام مقدس در زمان حضور به شیوه ظن خاص و در زمان متاخر از معصوم به صورت ظن مطلق قابل پذیرش است (مختاری، عدم امکان فهم از دیدگاه میرزای قمی و گادامر، مطالعه تطبیقی، ۱۴۰۰: ص ۱۴۵). به نظر می‌رسد این دیدگاه را باید تابع نظر استادش یعنی وحید بهبهانی جستجو نمود (همان: ص ۱۴۶). تفاوت اصلی مکتب اجتهادی با گذشتگان بر سر حالات روانی مکلف بود رشته اعتقاد بر این بود که فقط علم حجیت ذاتی دارد اما قطع حالت روانی است که کاشفیت کامل از واقع را ندارد و ممکن است جهل مرکب باشد (محقق داماد و ولایی، نظریه انسداد در اندیشه معرفتی شیعه ۱۴۰۱: ص ۱۵).

پس تفاوت مکتب حله و مکتب انسدادی این است که در مکتب حله به دنبال این هستند که ضعف سند را با جابریت حل کنند و در حقیقت موضوع ضعف سند را از بین ببرند جابریت ضعف سند کمک به حیثیت صدور روایت است و حتی در جاهایی باعث شده به حدیث مرسل اطلاق صحیح کنند چنانکه شیخ بهایی گفته علمای متاخر همچون علامه و شهید اول و دیگران طریقه سلف را پیموده‌اند و بر حدیثی که قرائنی بر عمل به آن وجود داشته است صحیح اطلاق نمودند مثلاً مراسیل بعضی از مشاهیر امامیه را به صحت توصیف کرده‌اند مانند مراسیل ابن ابی عمیر و صفوان چه اینکه در لسان علما چنین شایع بود که این بزرگان فقط از کسانی ارسال کرده‌اند که به توثیق آنها اعتماد داشته اند و آن را معتبر میدانستند (ربانی، بررسی اعتبار احادیث مرسل، ۱۳۸۹: ص ۲۹).

به همین خاطر در مکتب حله علم آور بودن اهمیت فراوانی دارد، زیرا در مکتب حله نمی‌توان به هر روایتی استناد نمود و دستهای از روایات بیرون از دایره اعتبار باقی میمانند. دستهای از افراد مانند ابن قبه، سید مرتضی و مفید که فضا را به صورت علم آور بودن مطرح میکنند، حجیت صدور خبر واحد را خارج از محدوده علم آوری نمیپذیرند و





شخصی مانند سید رضی قائل به حجیت می‌شود و شیخ طوسی نیز در نظر خود مذبذب میماند در جاهایی قائل به حجیت است و جاهای آن را نمی‌پذیرد (مصطفوی فرد و طباطبایی پور، تحلیل سیر تطور مکاتب حدیثی امامیه، ص ۱۷).

مشکل بزرگ حجیت صدوری بر پایه علم آور بودن این بود که بساطت فقه زیاد میشد زیرا با گسترش نیازهای فقهی از سویی و کتب مبسوط فقهی اهل سنت و احتیاط زیاد فقه‌های شیعه برای دوری از اجتهاد به رای فقه شیعه را و زمینه طعن شیعه را فراهم کرد (همان: ص ۱۸).

در حقیقت جابریت ضعف سند برای برون رفته از این بحران ولی خودش در دوره‌های بعدی با ظهور شهید ثانی به فرزندش حسن بن زین الدین مورد انتقاد قرار گرفت همان نتیجه این رفتار حسن بن زین الدین رفتار اشخاصی مانند شهید ثانی و فرزندش یعنی حسن بن زین الدین در برهه‌های از زمان به صورت افراط در سند و سختگیری سندی بروز کرد به همین خاطر دسته زیادی از روایات واحد از سندی بی اعتبار شدند نتیجه این نگاه را می‌توان در کتاب منتق الجمان اثر حسن بن زین الدین ملاحظه نمود حسن بن زین الدین در مقدمه منتقل جمان دیدگاه خود را اینگونه تشریح میکند: «و آذی حدانا علی ذلک ما رأیناه من تلاشی أمر الحدیث، حتی فشا فیہ الغلط و التصحیف، و کثر فی خلاله التّغییر و التّحریف، لتقاعد الهمم عن القيام بحقّه، و تخاذل القوی عن النهوض لتلافی أمره، مع أنّ مدار الاستنباط لأکثر الأحکام فی هذه الأزمان علیه، و مرجع الفتاوی فی أغلب المسائل الفقهيّة إلیه. و لقد كانت حاله مع السلف الأوّلین علی طرف النقیض ممّا هو فیہ مع الخلف الآخرین، فأکثروا لذلك فیہ المصنّفات، و توسّعوا فی طرق الروایات، و آوردوا فی کتبهم ما اقتضی رأیهم إیراده من غیر التفات إلی التّفرقه بین صحیح الطریق و ضعیفه، و لا تعرّض للتمیز بین سلیم الإسناد و سقیمه، اعتمادا منهم فی الغالب علی القرائن المقتضیة لقبول ما دخل الضعف طریقہ، و تعویلا علی الأمارات الملحقة لمنحط الرّتبہ بما فوقه كما أشار إلیه الشیخ- رحمه الله- فی فهرسته حیث قال: إنّ کثیرا من مصنّفی أصحابنا و أصحاب الأصول ینتحلون المذاهب الفاسدة و کتبهم معتمده» (ابن الشهید الثانی، منتقى الجمان فی احادیث الصحاح و الحسان، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۳). این فراز از مقدمه منتقی الجمان

دیدگاه سختگیرانه سندی را نشان می‌دهد و عبور از مرحله حجیت توثیق صدور وی به توثیق سندی است.

ظهور شیخ انصاری و تاثیر وی بر معیار ظن

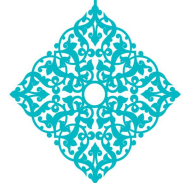
در نظر شیخ انصاری خبر واحد ثقه صرفاً افاده ظن میکند و برای شنونده قطع آور نیست. از نظر وی قطع یقین روان شناختی است و جعل طریقت برای جعل ممکن نیست. ولی بر ظن می‌توان اطلاق حجت کرد (دری نوگورانی، بررسی مقایسه ای توجیه باورهای مبتنی بر گواهی و حجیت خبر واحد با تمرکز بر آرای الیزابت فریکر و شیخ انصاری، ۱۳۹۷: ص ۸۶).

شیخ انصاری خبر واحدی را که مجرد از قرائن قطعیه باشد و در زمره ظنون است با شرایط زیر می‌پذیرد: ۱- شنونده اطمینان به صدور خبر داشته باشد ۲- شنونده علم به حسی بودن خبر واحد داشته باشد. به همین خاطر وی موثوق الصدور بودن خبر را کافی میدانند و ملاک را اطمینان به صدور می‌داند (همان: ص ۹۲).

در آرای شیخ انصاری ابهام وجود دارد که وی طرفدار انسداد است آیت الله شبیری زنجانی قرائنی را گرد هم می‌آورد تا اثبات کند شیخ انصاری متمایل به انسداد بوده است و تمسک وی به شهرت نیز از باب تمسک به مطلق ظن است (موذنی بیستگانی، کیخا مقایسه روش استنباط اصولی و فقهی شیخ انصاری در حجیت شهرت، ۱۳۹۹: صفحه ۲۰۵). این دیدگاه مخالفانی هم دارد و وجوهی در مخالفت نیز بیان شده اما وی در بحث مقدمات انسداد افاده اطمینان را پذیرفته است (همان: ص ۲۰۹).

دیدگاه انفتاحی آیت الله خوئی

آیت الله خوئی با توجه به توثیق سندی و ظن بودن خبر آن را در یک بستر انفتاحی مطرح میکند. زیرا وی معتقد است که اصل در ظن عدم حجیت است و این دقیقاً در مقابل نظر کسانی است که قائل به حجیت مطلق ظن می‌باشند. آیت الله خوئی اخبار را از نظر حجیت و عدم حجیت به سه قسم تقسیم ۱- اطمینان نوعی به وثوق راوی وجود دارد و این قسم حجت است زیرا با تقبیح عقلا در عدم پذیرش مواجه می‌شود ۲- یقین و اطمینان شخصی به وثوق از قرائنی بدس می‌آید. این قسم نیز حجت است ۳- اطمینان نوعی به





و ثوق از قرائنی حاصل می‌شود این قسم حجت نیست زیرا بنای عقلا بر این نیست و هیچ دلیلی نیز بر حجیت آن نداریم (برزگر، ملاک پذیرش خبر و تأملی بر دیدگاه آیت الله خوئی، ۱۳۹۰: ص ۱۱۲).

این نگاه سختگیرانه در حقیقت دایره خبر واحد را همانند دوران شهید ثانی فرزندش حسن بن زین الدین محدود میکند و راه را برای مراجعه به اصول فراهم می‌آورد به همین خاطر در نگاه افتتاح باب علمی به واسطه وجود قواعد و اصولی که شارع در اختیار ما قرار داده است هیچگاه به بنبست نخواهیم رسید و چنانکه توضیح دادیم دیدگاه کاملاً در مقابل اخباریگری و اجتهاد بر پایه انسداد است

نتیجه‌گیری

معیار پذیرش واحدی برای حجیت خبر واحد از سال‌های اولیه تدوین حدیث تا امروز وجود نداشته است. معیارهای متعدد به واسطه مبانی گوناگونی است که توسط دانشمندان در عرصه‌های مختلف علوم، مطرح گردیده است در گذشته معیار اساسی برای معرفت بخشی گزاره‌های خبر واحد علم آور بودن است ولی از زمان مطرح شدن اجتهاد در بستر انسداد توجه به ظن آور بودن در مقابل قطع آور بودن خبر واحد است. در معیار پذیرش ظنی نیز عده‌ای قائل به حجیت مطلق زنون بوده و خبر واحد را نیز ذیل مطلق حجیت ظنون می‌پذیرند و عده‌ای نیز قائل به ظن خاص بوده و طریق مخبری و سندی را مهمترین معیار پذیرش یا عدم پذیرش خبر واحد میدانند امروزه نظر غالب این است که خبر واحد از باب ظن خاص حجت است.

فهرست منابع

-منابع عربی

۱. ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین، «منتقى الجمانفی احادیث الصحاح والحسان» چ ۱، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۶۲.
۲. انصاری، مرتضی، «فرائد الاصول»، چ ۹، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ۱۴۲۸ق.
۳. خویی، ابوالقاسم، «مصباح الاصول»، چ ۱، موسسه احیای آثار امام خویی، قم، ۱۴۲۲ق.
۴. خویی، ابوالقاسم، «معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه»، بی نا، بی جا، ۱۴۱۳ق.
۵. سبزواری، عبدالاعلی، «تهذیب الاصول»، چ ۲، المنار، قم، بی تا.

-منابع فارسی

۱. آقای بیجستانی، مریم و رحمانی مقدم، محمد و ترحمی، زهرا، «باز پژوهی حجیت خبر واحد با استناد به سیره عقلا»، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۴، ش ۵۰، ۱۳۹۶.
۲. بخردیان داریوش و قبولی در افشان، محمد تقی، «بررسی خبر واحد در فقه ابن ادریس»، مطالعات اسلامی فقه و اصول، دوره ۴۷، ش ۱۰۲، ۱۳۹۴.
۳. برزگر، مهدی، «ملاک پذیرش خبر و تأملی بر دیدگاه آیت الله خویی»، نشریه فقه، دوره ۱۸، ش ۲، ۱۳۹۰.
۴. جلائی، محمد، «بررسی حجیت خبر واحد در مسائل غیر فقهی با توجه به معنای حجیت و تطبیق آن با نظر آیت الله خویی و علامه طباطبایی»، نشریه فقیهانه، دوره ۴، ش ۱۲، ۱۳۸۹.
۵. جمعی از محققان، «فرهنگنامه اصول فقه»، چ ۱، پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۹.





۶. دری نوگورانی، علیرضا، «بررسی مقایسه‌ای توجیه باورهای مبتنی بر گواهی و حجیت خبر واحد با تمرکز بر آرای الیزابت فریکر و شیخ انصاری»، نشریه فقه، دوره ۱۸، ش ۲، ۱۳۹۰.
۷. ربانی، محمد حسن، «بررسی اعتبار احادیث مرسل»، چ ۱، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۹.
۸. محبی، مرضیه، «ارزیابی تطبیقی آرای دانشمندان در حجیت خبر واحد با تاکید بر دیدگاه آیت الله فاضل لنکرانی»، علوم تطبیقی حدیث، دوره ۶، ش ۱۱، ۱۳۹۸.
۹. محقق داماد، مصطفی و ولایی، علی، «نظریه انسداد در اندیشه معرفتی شیعه»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۲، ش ۹۷، ۱۴۰۱.
۱۰. مختاری، محمدحسین و فولادی دارابی، حسین و رستمی کیا، مجتبی، «عدم امکان فهم ازدیدگاه میرزای قمی و گادامر مطالعه تطبیقی»، نشریه اصول فقه، دوره ۵۳، ش ۱۲۴، ۱۴۰۰.
۱۱. مصطفوی فرد، حامد و طباطبایی پور، سید کاظم، «تحلیل سیر تطورات مکاتب حدیثی امامیه»، اندیشه نوین، دوره ۱۷، ش ۶۵، ۱۴۰۰.
۱۲. معارف، مجید، «تاریخ عمومی حدیث»، چ ۹، کویر، تهران، ۱۳۸۷.
۱۳. مودب، سید رضا، «علم الدرایه تطبیقی»، چ ۲، المصطفی، قم، ۱۳۹۱.
۱۴. موذنی بیستگانی حمید، کیخا محمدرضا، «مقایسه روش استنباط اصولی و فقهی شیخ انصاری در حجیت شهرت»، جستارهای فقهی و اصولی، دوره ۶، ش ۱۹، ۱۳۹۹.
۱۵. نصیری، علی و نصیری، محمد حسین و حسین پور، محمد، «گستره حجیت خبر واحد در آموزه‌های اعتقادی»، دوره ۳، ش ۴، ۱۳۹۵.
۱۶. ویکی دانشنامه حوزوی، تاریخ مراجعه ۱۴۰۲/۰۹/۲: برگرفته از:

<https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AF%D8%A7%D8%AF>